

عملکرد خاندان انتظام‌وزیری در تحولات دوره پهلوی اول و دوم

منصور رشیدی^۱

علی قنبریان^۲

چکیده

سیدعبدالله و سیدنصرالله انتظام‌وزیری از صاحب‌منصبان دوره پهلوی هستند. این دو برادر از خاندان معروف وزیری بوده و اجدادشان در زمان قاجار، خدماتی را انجام داده‌اند. وزیری‌ها از سادات تفرش هستند و با چندین واسطه به امام زین‌العابدین (ع) می‌رسند. این دو برادر از تأثیرگذاران در دوره پهلوی بوده و در داخل و خارج از ایران، مناصبی داشته‌اند؛ همچون ریاست بر برخی از وزارت‌خانه‌ها، مدیریت عامل شرکت ملی نفت ایران، سفیر در برخی از کشورهای، نماینده ایران در سازمان‌های بین‌المللی، و ریاست مجمع عمومی سازمان ملل متحد. علاوه بر فعالیت‌های سیاسی و اجرایی، در حوزه فرهنگ نیز فعالیت داشته‌اند. از موارد آن می‌توان به تألیف و ترجمه کتاب، عضویت در شورای مرکز مطالعات عالی بین‌المللی دانشکده حقوق و علوم سیاسی، خادم افتخاری آستان قدس رضوی، و تولیت موقوفات خاندان وزیری اشاره کرد. موقوفات مزبور در راستای خدمت‌رسانی به مردم و دستگیری از فقرا و ضعفای جامعه بوده و هم‌اکنون نیز در جریان است. تبیین و تحلیل زندگی‌نامه و شرح فعالیت‌های این دو شخصیت (سیدعبدالله و سیدنصرالله انتظام‌وزیری) رسالت نوشتار حاضر است. در گردآوری اطلاعات و اسناد از هر دو روش کتابخانه‌ای و میدانی استفاده شده است و روش پردازش اطلاعات نیز تبیینی - تحلیلی است.

واژه‌های کلیدی: سید عبدالله انتظام‌وزیری، سید نصرالله انتظام‌وزیری، تاریخ معاصر، مناصب حکومتی، پهلوی.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



۱. پژوهشگر تاریخ و سرپرست مقبره میرزا عیسی وزیر Mansoorrashidi2017@gmail.com

۲. دانش‌آموخته دکتری دانشگاه تهران ghanbarian.howzeh@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۹/۰۸ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۲/۲۳

شهر تفرش از شهرهای استان مرکزی و نزدیک شهر آشتیان است. در تفرش و آشتیان بلکه گرکان ارباب قلم و اصحاب استیفا و محاسبین دفتری زیاد بوده‌اند که همه در دفتر پادشاهی صاحب رتبه عالی بودند. [برخی از] معارف ارباب قلم تفرش: مرحوم میرزا موسی وزیر و میرزا عیسی وزیر است. (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷ش: ۱/ ۷۵۸) به بیان دیگر بزرگان بسیاری اعم از دانشمندان، دولتمردان، ادبا، و... از این شهر برخاسته‌اند. از جمله افراد برجسته این شهر می‌توان از خاندان انتظام‌وزیری (باقری، ۱۳۹۵: ۴) (میرزا موسی وزیر تفرشی، میرزا عیسی خان وزیر، سیدعبدالله خان انتظام‌السلطنه، سیدمحمد انتظام‌السلطنه (بینشعلی)، سیدعبدالله انتظام‌وزیری، سیدنصرالله انتظام‌وزیری) نام برد. این خاندان در دوره قاجار و پهلوی از دولتمردان بودند. واکاوی زندگانی و خدمات تمامی افراد این خاندان مفصل است. در نوشتار حاضر به شرح مناصب و فعالیت‌های علمی، عمرانی، و فرهنگی سیدعبدالله و سیدنصرالله انتظام‌وزیری می‌پردازیم. درباره خاندان وزیری و افراد شاخص و مطرح آن‌ها مانند سیدعبدالله و سیدنصرالله، تحقیقات گسترده و منسجمی انجام نشده است و همین امر لزوم نگارش نوشتار حاضر را ضروری می‌کند. در برخی از کتاب‌ها، به صورت گذرا و به مناسبت، به برخی از فعالیت‌ها و خدمات آن‌ها اشاره شده است. مثلاً:

الف) محمدحسن خان اعتمادالسلطنه که خود نیز از درباریان و رجال قاجار بوده است، برخی مطالب را از میرزا موسی و میرزا عیسی وزیر در کتاب‌هایش مانند *مرآة البلدان*، گزارش کرده است.

ب) از آنجا که سیدعبدالله انتظام‌وزیری ریاست بر شرکت ملی نفت ایران را برعهده داشته است، در جلد ۴ کتاب *مدیران صنعت نفت ایران*، به زندگانی و فعالیت‌های وی پرداخته شده است.

پ) در کتاب *خاطرات نصرالله انتظام*: شهریور ۱۳۲۰ از دیدگاه دربار، برخی از خاطرات و دیده‌ها و شنیده‌های نصرالله انتظام ذکر شده است. این کتاب را محمدرضا عباسی و بهروز طیرانی نوشته‌اند.

ت) در برخی از آثاری که سیدعبدالله انتظام‌وزیری تألیف یا ترجمه کرده است، در مقدمه کتاب‌ها به فرازهایی از زندگانی ایشان اشاره شده است. مانند کتاب:

- مبانی سرنوشت یا ادراک ماورای حواس، تألیف آرتور کوستلر و ترجمه عبدالله انتظام‌وزیری.

- سرنوشت بشر، تألیف لکننت دونوئی و ترجمه سیدعبدالله انتظام‌وزیری.

- نظری تازه به عرفان و تصوف، تألیف سیدعبدالله انتظام‌وزیری.

سید عبدالله انتظام‌وزیری

۱. اصل و نسب

سیدعبدالله انتظام‌وزیری در ششم فروردین ۱۲۷۴ در یکی از خانواده‌های سرشناس قاجار متولد شد. این تاریخ بر روی سنگ قبر نوشته شده است. در کتاب «مدیران صنعت نفت ایران» تألیف عباس طرفی (عبدالله‌پور) جلد ۴ صفحه ۹۷۱،



تاریخ تولد ۱۲۸۷ ذکر شده است که صحیح نیست. وی فرزند سید محمد انتظام السلطنه بود و سید محمد فرزند سید عبدالله خان انتظام السلطنه است. سید عبدالله برادر میرزا عیسی تفرشی معروف به وزیر و فرزند میرزا موسی وزیر مستوفی تفرشی است. این خاندان از سادات تفرش بوده که نسیشان به امام زین العابدین * می‌رسد.

۲. مناصب حکومتی

بعد از اتمام دوران دبیرستان و تحصیلات عالی وارد دنیای سیاست شد و توانست به سرعت مدارج دیپلماتیک را طی کند. سید عبدالله انتظام‌وزیری از دیپلمات‌های با سابقه وزارت امور خارجه بود. (طرفی، ۱۳۷۵ ش: ۴/ ۹۷۲-۹۷۳) سال‌ها مشاغل حساس سیاسی و کنسولی و سفارت ایران در کشورهای مختلف و ریاست ادارات مختلف وزارت امور خارجه و مأموریت‌های سیاسی در آلمان و آمریکا را به عهده داشت. (نراقی و غفاری، ۱۳۵۳: ۲۹) همچنین مدتی رئیس دانشکده فلسفه دانشگاه تهران بود.

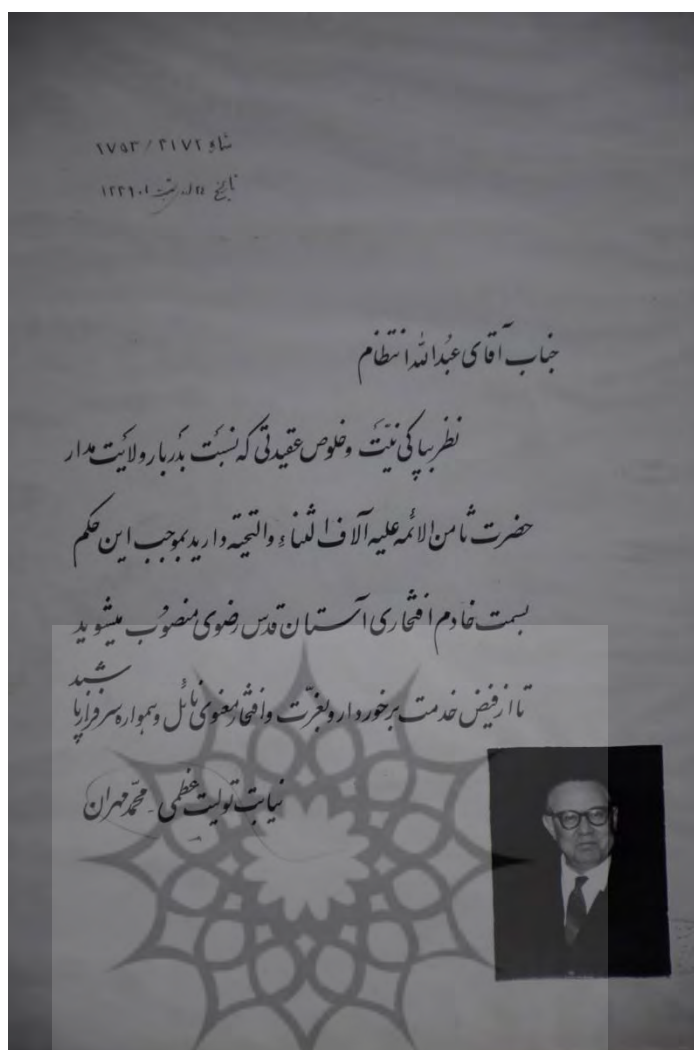
در سال ۱۳۳۰ شمسی وزیر امور خارجه کابینه حسین علاء بود. سپس نایب نخست‌وزیری را بر عهده داشت و نماینده ایران در سازمان‌های بین‌المللی بود. انتظام‌وزیری در تاریخ ۲۰ جولای ۱۹۵۳ (۲۹ تیر ۱۳۳۲) جزء هیئت کارشناسان حل اختلاف و انعقاد قرارداد کنسرسیوم انتخاب شد. وی در سال ۱۳۳۶ در دوران نخست‌وزیری حسین علاء، از سیاست کناره گرفت و به سمت رئیس هیئت‌مدیره و مدیرعامل شرکت ملی نفت ایران منصوب شد و تا سال ۱۳۴۲ در این سمت بود. سید عبدالله انتظام‌وزیری بعد از سهام‌السلطان بیات، کرسی ریاست هیئت‌مدیره را به دست آورد. (طرفی، ۱۳۷۵ ش: ۴/ ۸۸۰)

وی ۲ مرتبه، رئیس هیئت‌مدیره و مدیرعامل شرکت ملی نفت ایران شد. مرتبه اول از ۱۳۳۶ شمسی تا دوم آبان ماه ۱۳۴۲ و مرتبه دوم از آذر ماه ۱۳۵۷ تا ۲۲ بهمن ۱۳۵۷. در زمان ریاست ایشان، امیرعباس هویدا رئیس کل امور اداری بود. انتظام‌وزیری در مدت تصدی ریاست شرکت ملی نفت، از مشاوران نزدیک شاه و وزیر دربار وقت، حسین علاء بود. وی در سال ۱۳۳۹ به خادم افتخاری حرم امام رضا (ع) منصوب شد. حکم صادر شده از طرف متولی حرم، روی دیوار مقبره آویزان است. در مقاله «دیدار با وزیر مردمدار در حوالی بهشت» صفحه ۴، درباره حکم حرم امام رضا (ع) ۳ اشتباه وجود دارد:

الف) سال حکم را ۱۳۳۸ ذکر کرده است.

ب) از لفظ تولیت حرم حضرت علی بن موسی الرضا (ع) استفاده کرده است؛ در حالی که تولیت نیست بلکه خادم افتخاری است.

پ) حکم را به سید محمد انتظام السلطنه نسبت داده است.



شماره ۲۷۵۳/۳۱۷۲
 تاریخ ۲۴ اردیبهشت ماه ۱۳۳۹
 جناب آقای عبداللہ انتظام نظر به پاکي نیت و خلوص عقیدتی که نسبت به دربار ولایت مدار حضرت ثامن الائمه علیہ آلاف الثناء والتحیة دارید به موجب این حکم به سمت خادم افتخاری آستان قدس رضوی منصوب می‌شوید تا از فیض خدمت برخوردار و به عزت و افتخار معنوی نائل و همواره سرفراز باشید.
 نیابت تولیت عظمی محمد مہران

انتظام‌وزیری در دوران تصدی به علت اینکه در جریان وقایعی که به بازداشت امام خمینی (ره) و قیام خونین ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ و کشتار مردم انجامید، به اتفاق حسین علاء که در آن زمان وزارت دربار را به عهده داشت و چندتن دیگر از رجال سیاسی آن روز مانند سردار فاخر حکمت و ژنرال یزدان‌پناه (ریاست بازرسی شاهنشاهی) نزد شاه رفت و عواقب سیاست علم را در برابر روحانیت گوشزد کرد و بالاخره نتوانست آن طوری که باید و شاید منافع صاحبان قدرت را حفظ کند. روز پنج‌شنبه دوم آبان ۱۳۴۲ از ریاست هیئت‌مدیره و مدیریت عامل شرکت ملی نفت ایران استعفا کرد. (طرفی، ۱۳۷۵: ۴/ ۹۷۱) سیدعبدالله انتظام‌وزیری پس از کناره‌گیری از مدیر عاملی شرکت ملی نفت ایران به‌عنوان نایب نخست‌وزیر و وزیر مشاور وارد کابینه حسین علاء شد.



هیئت‌مدیره شرکت نفت
 سیدعبدالله انتظام‌وزیری (نشسته)
 امیرعباس هویدا (از راست نفر چهارم ایستاده)
 عبدالعلی غفاری (از راست نفر اول ایستاده)

وی پس از سقوط دکتر مصدق سمت وزارت امور خارجه را در کابینه سرلشکر زاهدی به عهده گرفت. علت برکناری او از سمت وزارت امور خارجه این بود که او به هیچ‌وجه حاضر نبود تا زیر بار امضای الحاق ایران به پیمان بغداد (که یک قرارداد نفتی بود) برود. (سحاب، ۱۳۹۳: ۱۱۳)



بنابر تصویب هیئت وزیران در تاریخ ۱۳۴۷/۰۱/۱۷ سیدعبدالله انتظام‌وزیری عضو هیئت عالی برنامه شد. وی عضو یازده نفره هیئت مشاوران انجمن اخوت است که پس از سپهبد فرج‌الله آق‌اولی در سال ۱۳۵۴ به‌عنوان رئیس انجمن انتخاب شد. (همایونی، ۱۳۵۵ش: ۲۱۷)

محمدرضا شاه، در سال ۱۳۵۷ش، که خطر سقوط سلطنت خویش را احساس می‌کرد، از انتظام خواست که مقام نخست‌وزیری را بپذیرد اما وی قبول نکرد. (yon.ir/qP1Gr)

انتظام در سال ۱۳۵۷ در بحبوحه اعتصابات کارکنان صنعت نفت برای مدت کوتاهی، بار دیگر مدیریت عامل و ریاست هیئت مدیره شرکت ملی نفت ایران را به عهده گرفت. مدیران و کارکنان سطح بالای شرکت نفت، انتظام‌وزیری را پذیرا شدند، ولی کارگران اعتصابی شرکت نفت در آستانه پیروزی انقلاب، حاضر به ترک اعتصاب و بازگشت از راه‌رفته نبودند. سیدعبدالله انتظام‌وزیری با پیروزی انقلاب بار دیگر خانه‌نشین شد. (طرفی، ۱۳۷۵ش: ۴/۹۷۱-۹۷۳) عبدالله و برادرش نصرالله، در عرصه سیاسی ایران در دوران معاصر حضور چشمگیری داشتند تا جایی که دو برادر به «دوقلوهای سیاسی» معروف شدند. (yon.ir/Z6cA8)

سیدعبدالله در زمان ریاست دکتر محمد نصیری بر مرکز مطالعات عالی بین‌المللی، از اعضای آن مرکز بود. (اطلاعاتی درباره مرکز مطالعات عالی بین‌المللی، ۱۳۵۲: ۱)

متن یکی از اسنادی که نزد آقای منصور رشیدی است:

سند: دانشگاه تهران

دفتر رئیس دانشگاه. ۱۲۸۷۴. ۲۵۳۶/۰۲/۲۸

جناب آقای عبدالله انتظام به پیشنهاد دانشکده حقوق و علوم سیاسی و تصویب شورای دانشکده مزبور و به استناد اساس‌نامه مرکز مطالعات عالی بین‌المللی به موجب این حکم به عضویت شورای مرکز مطالعات عالی بین‌المللی

دانشکده مزبور تعیین می‌شود. یقین است همکاری و راهنمایی جنابعالی در پیشرفت وظایف و فعالیت‌های مهم آموزشی و تحقیقاتی این مرکز ذی‌قیمت خواهد بود.

رئیس دانشگاه تهران، احمد هوشنگ شریفی

وی کتاب «سرنوشت بشر» (اطلاعات کتاب: دونوئی، لکنت، بی‌تا، سرنوشت بشر، مترجم: سیدعبدالله انتظام‌وزیری، بی‌جا، انتشارات صفی‌علی شاه) نوشته لکنت دونوئی و نوشته‌های دیگر را (مانند کتاب «مبانی سرنوشت یا ادراک ماورای حواس») ترجمه کرد. سیدعبدالله انتظام‌وزیری در شعر و ادب مطالعه داشت و از نوشته‌های او می‌توان به سلسله مقالات «نظری تازه به تصوف و عرفان» با امضای لادری اشاره کرد. نشریه عهد ترقی از جمله آثار اوست. (سحاب، ۱۳۹۳:

(۱۱۳)

آقای سیف‌الله وحیدنیا (رئیس انتشارات وحید) در مقدمه کتاب «مبانی سرنوشت یا ادراک ماورای حواس» درباره ایشان گوید:

مترجم کتاب، زنده‌نام سیدعبدالله انتظام‌وزیری از متفکران زمان ما بود. وی مردی زبان‌دان، عارف، شاعر، اهل مطالعه و فکر، و صاحب اندیشه بود. کتاب «سرنوشت بشر» را سالیان پیش ترجمه کرد و «نظری تازه به تصوف و عرفان» را نیز نوشت که تحت نام «لادری» در مجله وحید چاپ و بعداً به صورت کتاب در دسترس علاقه‌مندان گذاشته شد. «مبانی سرنوشت یا ادراک ماورای حواس» نیز از آثار آن شادروان است که یک سال پیش از رحلت آن را ترجمه و آماده ساخته و برای چاپ و نشر به این ارادتمند سپرده بود و اکنون برای شادی روح آن مرحوم و تسلی خاطر همسر داغدیده‌اش (فرح‌علیای زند انصاری که از طایفه کریم خان زند است) و یاران وفادارش به زیور طبع آراسته می‌شود. (کوستلر، ۱۳۶۳:

(۷)

و در مقدمه کتاب «نظری تازه به عرفان و تصوف» درباره این کتاب چنین آورده:

مجموعه‌ای در برابر دیدگان داری کم‌حجم و پرمعنا. من آن را خواندم و پسندیدم و به نشر آن در مجله وحید مبادرت ورزیدم تا نفع آن عام‌تر باشد و هزاران خواننده کنجکاو و مشتاق مجله نیز آن را بخوانند و از مجالس شیرین و جاذب و جالب آن بهره‌ور شوند. اکنون به خواست گروهی از خوانندگان به نشر جداگانه آن پرداخته‌ام تا شما و دیگر طالبان معرفت را در این جهان مادی... (انتظام‌وزیری، بی‌تا: ۴)

از آنجا که انتظام فرد فرهنگ‌دوستی بوده است، برخی از نسخه‌های خطی رساله‌های اساتید و دوستانش نزد وی بوده است. نسخه‌هایی که اگر تصحیح و احیا شوند، در پیشبرد علم و فرهنگ بسیار تأثیرگذار خواهند بود. در سفرنامه ظهیرالدوله صفحه ۳۲ به این مطلب تصریح شده است:

«آقا رضای حضورعلی ملقب به شمس‌العرفا که برادر صفی می‌بوده است برخی از سوانح حیات او را هم به نقل از شخص وی (صفی) منظوم کرده است و نسخه منظومه او به دست عبد‌الله انتظام مرحوم می‌بوده است.»



۳. موقوفات و تولیت خاندان انتظام‌وزیری

سیدعبدالله انتظام‌وزیری از سیدنصرالله بزرگ‌تر بود و پدرشان (سیدمحمد)، سیدعبدالله را وصی خود قرار داد. متولی موقوفات میرزا موسی وزیر تفرشی و میرزا عیسی خان وزیر، سیدمحمد انتظام‌السلطنه (بینشعلی) و بعداز وی سیدعبدالله انتظام‌وزیری و هم‌اکنون سیدمحمد (فرزند سیدعبدالله) است. در یکی از اسناد چنین آمده است:

«براساس رأی شماره ۱۷۳۸ مورخ ۱۳۳۵/۱۰/۲۹ اداره کل تحقیق اوقاف و نامه شماره ۹۵۸۹ مورخ ۱۳۳۶/۰۴/۲۴ شمسی تصدی موقوفه میرزا عیسی وزیر به آقای عبدالله انتظام واگذار شد.»

سیدعبدالله انتظام در تاریخ ۱۳۲۵/۱۱/۲۵ در ژنو بوده و به محمود غفاری (شوهرخواهرش) در ارتباط با موقوفات میرزا عیسی خان وزیر وکالت داد. خوانش وکالت‌نامه:

ژنو (ژنو، دومین شهر پرجمعیت کشور سوئیس پس از زوریخ است) به تاریخ ۲۸ بهمن ۱۳۲۵ به موجب این ورقه جناب آقای محمود غفاری دارای شناسنامه شماره ۲۵۶۹۴ بخش چهار تهران (سند: «طهران») از طرف این جانب عبدالله انتظام‌وزیری دارای شناسنامه شماره ۶۴ بخش چهار تهران (سند: «طهران») متولی موقوفات مرحوم میرزا عیسی وزیر وکالت دارند که نسبت به کلیه املاک موقوفه مزبور و رقبات در تهران (سند: «طهران») و بلوک اشتهاورد و حومه تهران (سند: «طهران») اعم از مستغلات (محلی که از آن کرایه می‌گیرند) و یخچال و املاک مزروعی و غیره، هرگونه معامله نقاله اعم از قطعی و شرطی و رهنی و معاوضه و مبادله و اجاره دادن با هرکسی در هر مدت و هر مبلغ که صلاح بدانند انجام داده در تنظیم اسناد و امضاء اوراق و دفاتر و اخذ وجوه و اجرت‌المثل و خسارت و نیز در فسخ و تجدید معاملات و تقاضای صدور اجرائیه نسبت به عملیات اجرایی من البدو الی الختم و انجام سایر تشریفات و شئونات مراجعه به موضع وکالت وکیل مرقوم دارای همان اختیاراتی خواهند بود که این جانب نسبت به تولیت دارم و در ضمن توکیل غیر در تمام مراحل نیز مجازند.

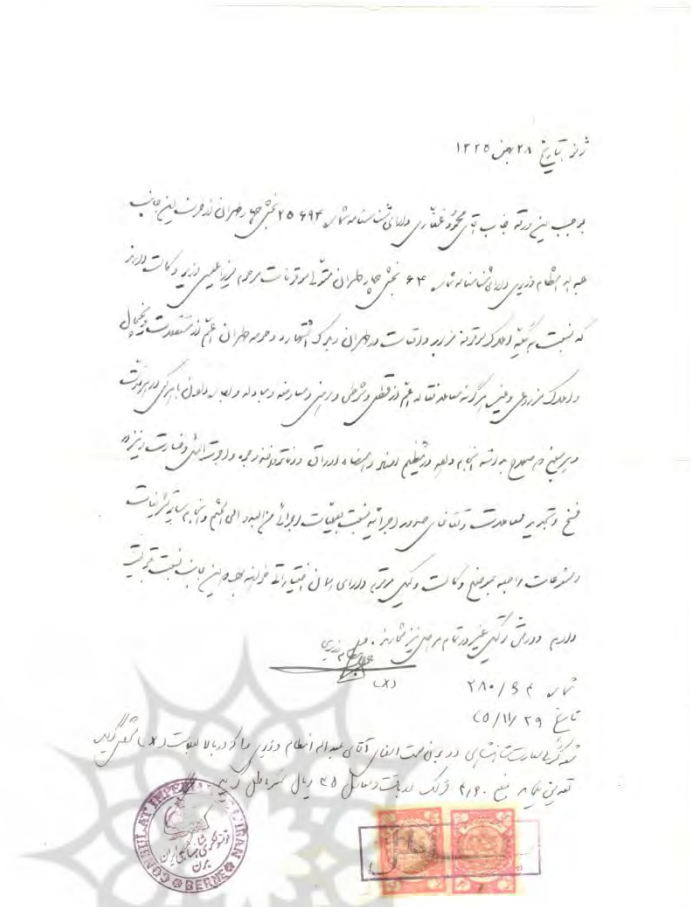
امضاء: «عبدالله انتظام‌وزیری» (تا اینجا دست‌خط سیدعبدالله انتظام است. از اینجا به بعد، ظاهراً نوشته کارمند سفارت‌خانه است)

شماره ۲۸۰/۶۴

تاریخ ۲۵/۱۱/۲۹

قونسولگری (منسوخ است. کنسول‌گری. انوری، ۱۳۸۲ش: ۶/۵۶۱۰) سفارت شاهنشاهی در برن (برن، پایتخت کشور سوئیس است) صحت امضای آقای عبدالله انتظام‌وزیری را که در بالا به علامت (ضربدر) مشخص گردید، تصدیق می‌نماید. مبلغ ۴/۶۰ فرانک (فرانک، واحد پول کشور سوئیس است) دریافت و معادل ۳۵ ریال تمبر باطل گردید.

مهر: «باطل»



وکالت سیدعبدالله انتظام به محمود غفاری (شوهر خواهرش)
در ارتباط با موقوفات میرزا عیسی خان وزیر
ژنو، ۱۳۲۵/۱۱/۲۵

۴. کمک به نیازمندان

سیدعبدالله از نیکوکاران روزگار بود و در دستگیری و نوازش مستمندان و فقیران، به جد خویش، حضرت علی x تمسک کرده بود؛ به طوری که برای برخی از درماندگان مقرری تعیین کرده بود که به صورت ماهیانه مبالغی به آن‌ها بدون هیچ‌گونه منتی هدیه می‌کرد. همچنین در محله خان‌آباد تختی، تقریباً ۱۴۸ واحد وقف مستمندان کرده است. سیدعبدالله با آنکه آباء و اجدادش از بزرگان و وزرای مملکت بوده و خودش نیز به مدارج عالی اجتماعی و شغلی رسیده بود، ذره‌ای غرور و تکبر در وجودش نبود؛ به‌گونه‌ای که پس از استعفا از ریاست شرکت نفت، کارگاه آهنگری احداث کرد و شخصاً به کودکان بی‌بضاعت و فقیر، صنعت آهنگری آموزش می‌داد.

۵. همسر و فرزندان

سیدعبدالله ۲ همسر داشت.



الف) همسر اولش با نام مادام مارگریت بود. ایشان اصالتش آمریکایی بود. از وی ۲ فرزند دارد: (در کتاب «مدیران صنعت نفت ایران» جلد ۴ صفحه ۹۷۳ به اشتباه نوشته شده است که سیدعبدالله انتظام ۳ فرزند داشت) - سیدمحمد (هیوم حوران). وی سفیر آمریکا در عربستان سعودی بود. - لیلا برنان.

ب) همسر دومش فرحعلیا زند انصاری از خاندان کریم خان زند است. وی زمانی سخنگوی دولت بوده است. سیدعبدالله از همسر دومش فرزندی نداشت. همسر وی از خیرین بود و برای ایتم، جزامیان، نایبانیان، و مستمندان کهریزک، مبالغی مصرف و اهدا می کرد.

پدر همسر دومش نصرالله انصاری است. وی دیپلمات وزارت امور خارجه دوره پهلوی بود. در روز نیمه شعبان تاریخ ۱۲ مرداد ۱۳۲۳، هنگام بازگشت از مأموریت اداری از شیراز، در سانحه هواپیما خود، همسر، و دخترش (عزیزه انصاری و بانو ماهتابان انصاری) درگذشتند. مقبره این سه نفر در آرامگاه امامزاده سیدعبدالله در شهر ری است. سیدعبدالله انتظام السلطنه در دوم فروردین ۱۳۶۲ (این تاریخ بر روی سنگ قبر نوشته شده است) وفات کرد و در شهر ری آرامگاه ابن بابویه آرמיד.

اشعاری در ستایش سیدعبدالله انتظام وزیری

ابراهیم صهبا، ۱۳۶۲/۰۱/۰۳

ای دریغا ای دریغا انتظام از دست رفت

فاضلی آزاده و والامقام از دست رفت

صبحگاهان در کنار خاندان خویش بود

ناگهان بار سفر بر بست و شام از دست رفت

او که عبدالله و درویشی قناعت پیشه بود

در جهان گر شادکام و تلخکام از دست رفت

عمر خود را کرد صرف خدمت نوع بشر

رفت اما حیف مردی نیک نام از دست رفت

گرچه جایش در بهشت جاودان باشد ولی

ای بسا افسوس کان نیکومرام از دست رفت

دوستان گویند در سوگش به چشمی اشک بار

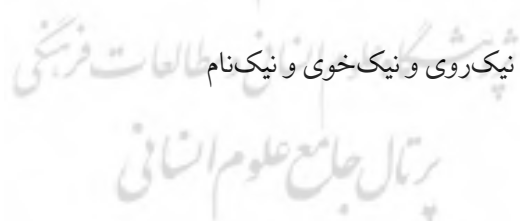
ای دریغا ای دریغا انتظام از دست رفت

ابوالقاسم حالت، ۱۳۶۲/۰۱/۰۵

کس ندیدم در جهان از خاص و عام

به ز عبدالله خان انتظام

بود نیکی در وجود او تمام



گرچه از دنیا به ظاهر رفته است

تا ابد در قلب ما دارد مقام

عمر او چندان دوامی گر نیافت

باد، عمر بستگانش را دوام



محمد جبل عاملی

این انتظام ما که به خاکش گذاشتیم

بگذاشتیم و دست از او برنداشتیم

و اما چه افکند بر خفتگان خاک

این سرورا به قامت خوابیده کاشتیم

اردشیر بینش آق اولی از آمریکا، ۱۳۶۲/۰۱/۰۶

آه و افغان کز میان برچید رخت

مظهر تقوا و ایمان انتظام

در تواضع مردی و مردانگی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
در کفایت عقل و تدبیر او بنام
پرمال جان علوم انسانی

سال‌های عمر او پربرگ و بار

صرف کشور گشت و انجام مهم

حبّ ایران، عشق و هم آیین او

وقف ایران کرد عمر خود تمام

آرمانش خدمت هم‌نوع بود

دفتر ایثار را بود اختتام

گرچه پنداری ز مرگش تیره شد

صبح فضل و دانش و تقوا چو شام

آنکه جاویدان به ایرانست اوست

زنده جاوید باشد انتظام

آنکه در رأی و نیکی شهره بود

فارغ از سیم و زر و جاه و مقام

تهران، حسام‌الدین دولت‌آبادی

ماده تاریخ مرگ اسفناک سیدعبدالله انتظام رجل سیاسی و صدیق ایران طاب ثراه

عبدالله آن‌که مهر و صفایش مرام بود

رفت از جهان و خلد برینش مقام شد

آزادگی و راستی و حق‌پرستیش

مقبول خاطر و نظر خاص و عام شد

در دانش و صداقت و فرزانگی و هوش

ممتاز و پاکباز و عزیز و بنام شد

یک جو فریب نعمت دنیای دون نخورد

فارغ ز دانه گشت و گریزان ز دام شد

آری به عزّ سلطنت معنوی رسید

هرکس ز روی صدق علی را غلام شد

هشتاد و اند ماند به دنیا و عاقبت

دیدار دوست او را خیر الختام شد

چون داد جان به جانان از خامه حسام

تاریخ او به هجری «ای انتظام» شد

۱۴۰۳ هجری قمری

شادروان سید عبدالله انتظام درویشی وارسته، مردی پاک و صمیمی، رجل سیاسی و ارزنده بود. روز دوم فروردین ۱۳۶۲ برابر جمادی الثانی ۱۴۰۳ به رحمت حق پیوست.

دکتر غلامعلی رعدی آذرخشی، ۱۳۶۲/۲/۷

در مرگ مرحوم عبدالله انتظام

انتظام آن رادمرد آن نیکخوی پاکباز

کز نخست از نام عبدالله بودی سرفراز

سالکی وارسته شد و ز راستی سر بر نتافت

تا به خوش نامی به پایان برد این راه دراز

بی نیازی جز به حق چون بود او را در سرشت

شد قناعت پیشه و زد تیشه‌ها بر فرق آز

داشت با آرامش باطن لبی خندان چو گل

وین چنین می کرد با معبود خود راز و نیاز

مال دنیا خوار بودش در نظر پس جاه یافت

چاره جویی کرد و شد در ماندگان را چاره ساز

بود گفتارش ز لطف و نکته‌سنجی دلنشین

بود رفتارش ز تکریم و تواضع دلنواز

رفت چون راه طریقت شد رها از گمراهی



دید چون روی حقیقت چشم پوشید از مجاز

رازها در دل نهفت آن رازدان و رازدار

زانکه با نامحرمان هرگز نشاید گفت راز

در سیاست یا به عرفان یا به دانش های نو

کس نبود آن بینش آیین ژرف بین را همطراز

جای وی را کس نگیرد آنکه زانکه او هر جا که بود

داشت بر اقران خود بی هیچ دعوی امتیاز

در بسیط زندگی دور از نفاق و بندگی

با مناعت گامها زد در نشیب و در فراز

آری آری زاغ و کرکس را اگر باشد جدال

برتر از این ماجراها پر گشاید شاهباز

واجب آمد سجده بر درگاه استغنائی او

چون نبردی بر درد و نان کبر آیین نماز

او که از راه کرم ناز فقیران می‌کشد

سوی صاحب‌دولتان گامی نزد الا به ناز

از صفا و مهر جانش چون قرین شد با «فرح»

عاقبت درهای رحمت را به رویش کرد باز

همچو شمعی روشنی می‌داد پیرامون خویش

گرچه از روشن‌دلی دمساز بودش سوز و ساز

دیگر آهنگش به بزم دوستان ناید به گوش

نای گویی شد خموش و ناگهان بشکست ساز

آن‌که بزمش دلکش و جان‌پرور و پُربار بود

گشت مرگش غم‌فزا و دردناک و جان‌گداز

باری او رفت و دل ما گر ز غم افسرده کرد

باد روحش چون گل از باد سحر در اهتزاز

در هزار و سیصد و شصت و دو از شمسی شمار

سوی آن پیک سعادت پیک مرگ آمد فراز

(ما عین اشعار را نقل کردیم. با توجه به اینکه اصل نوشته نزدمان نبود، ممکن است اشتباه از حروف نگار قبلی باشد)

دکتر نشاط

در رثاء بزرگ سلسله صفاعلی شاهی نعمت‌اللهی جناب عبدالله انتظام.

دردا که پیر فقر و فنا انتظام رفت

مرد بقا به سدره چه با احتشام رفت

گاه بهار گل دمد از طرف گلستان

در این بهار مرشد ما انتظام رفت

او بود صدر سلسله و پیر راه ما

خلوت‌نشین عشق چه با احترام رفت

خود بد عظیم و عزم بزرگی دوده است

(دوده: دودمان، خاندان. انوری،

۱۳۸۲ش: ۴/۳۳۸۴)

از این سراچه پی سپر اعظام رفت

می دید منسجم نشود خیل صوفیان

از ملک فقر جلوه‌گر انسجام رفت

تسلیم محض بود و بجان غرق در رضا

فرصت شمرد لمحّه و به اغتنام رفت



بد منتهی به مرتبت سیر عرفان

نکته شنید و بر اثر اشتیاق رفت

(نکته: بوی خوش. همان: ۷۹۴۵/۸) (اشتیاق: بو کردن. لغت اشتیاق در کتاب

«فرهنگ بزرگ سخن» مدخل نشده است)

دانست در سراچه معنی چه ها دهند

(سراچه: خانه یا اتاق کوچک. همان: ۴۱۰۴/۵)

پی کم نمود و بر نظر اقسام رفت

(اقسام: قسمت کردن)

دانی که انفصام نباشد به گاه حق

(انفصام: از هم جدا شدن. همان: ۶۲۷/۱)

بر وصل هوشتافت نه بر انفصام رفت

بر جمع رهروان چو شفیع است غوث ما

بر گاه شه صفی به امیدی تمام رفت

تاوان گمراهان به خدا پیر ره دهد

نزد علی بجان ز پی اغترام رفت

(اغترام: قرض ادا کردن؛ تاوان و جریمه دادن)

او بود مرشدی به کمال و خود از رشد

با اولیا قرین شد و در التزام رفت

دامست این شهود و مگوید از چه روی

رندی ز تن برسته از این کهنه دام رفت

بود او منزله از بدو، زد در تمام عمر

بر قرب هو به قدرت و با اعتصام رفت

(اعتصام: خود را از گناه بازداشتن)

بد یک هزار و سیصد و شصت و دو ای نشاط

سالی که انتظام پی اعتصام رفت

(اعتصام: متوسل شدن)

تکمیل کاملی است به اکمل بدان تو مرگ

ز این راه منتهی و پی اعتلام رفت

سید نصرالله انتظام وزیری

سید نصرالله انتظام وزیری در ۱۲۷۸ شمسی (سال ۱۲۷۸ بر روی سنگ مزار مرحوم سید نصرالله حک شده است. در کتاب «سالنامه تفرش» صفحه ۱۱۳، سال تولد ۱۲۷۹ نگاشته شده است) در تهران متولد شد. وی برادر کوچکتر سید عبدالله انتظام وزیری است. وی یکی از چهره‌های سیاسی دوران حکومت خاندان پهلوی است. در این نوشتار به زندگی، سوابق شغلی، و خدمات ایشان می‌پردازیم.

۱. زندگی‌نامه

سید نصرالله انتظام‌وزیری تحصیلات خود را در مدرسه حقوق و سپس علوم سیاسی دانشگاه تهران گذراند و تحصیلات تکمیلی را در پاریس ادامه داد. وی کار خود را با وزارت امور خارجه آغاز کرد. در اواخر سلطنت رضا شاه به تهران فراخوانده شد و به سمت ریاست تشریفات دربار (سلطنتی) منصوب شد. وی سال‌ها سفیر و کاردار ایران در کشورهای اروپایی مانند فرانسه بود. (نراقی و غفاری: ۲۹/۱۳۵۳)



سید نصرالله انتظام‌وزیری
 نزد پدر (سید محمد انتظام السلطنه)
 از آنجا که همسر سید محمد انتظام السلطنه از خاندان غفاری
 است، ایشان سید محمد غفاری نیز نامیده شده است.

با سقوط رضا شاه به سرعت مدارج ترقی را طی کرد. در سال ۱۳۲۱ وزیر بهداری کابینه قوام و به ترتیب وزارت‌های پست و تلگراف، راه، و امور خارجه را عهده‌دار بود. در سال ۱۳۲۹ با ۳۲ رأی از مجموع ۵۴ رأی به ریاست مجمع عمومی سازمان ملل متحد در دوره پنجم رسید. سپس در سال ۱۳۳۱ نماینده دائمی ایران در سازمان ملل و سفیر ایران در آمریکا شد. از آن پس سال‌ها در سازمان‌های بین‌المللی نماینده ایران بود. وی دارای نشان درجه اول همایون بود. (همان: ۲۹)

پس از برگزاری مجمع عمومی، انتظام به سمت رئیس هیئت نمایندگی ایران در سازمان ملل برگزیده شد. به هنگام تصدی این پست از سوی انتظام، محمدرضا پهلوی بنا به دعوت رئیس‌جمهور آمریکا، سفری به این کشور کرد و انتظام به هنگام

ورود شاه به نیویورک از وی استقبال کرد. در جریان مراسم استقبال، انتظام برخلاف معمول دست شاه را نبوسید و این امر موجب رنجش و عصبانیت وی گردید... بعدها شاه همواره از عدم دست‌بوسی نصرالله انتظام و بی‌احترامی که به وی شده بود گله‌مند بود. (عباسی و طیرانی، ۱۳۷۱: یازده)



From left: Benjamin Cohen, Assistant Secretary-General in charge of the DPI; Ambassador Entezam, President of the Assembly; and Andrew Cordier, Executive Assistant to the Secretary-General at the UN General Assembly, New York, 1950.



از چپ: بنیامین کوهن، دستیار دبیرکل و رئیس اداره اطلاعات همگانی؛ نصرالله انتظام، رئیس مجمع عمومی؛ و اندرو کوردیه، دستیار اجرایی دبیرکل، در صحن مجمع عمومی سازمان ملل متحد، نیویورک، ۱۹۵۰.

از چپ: بنیامین کوهن (دستیار دبیر کل و رئیس اداره اطلاعات همگانی)، سید نصرالله انتظام وزیری (رئیس مجمع عمومی)، اندرو کوردیه (دستیار اجرایی دبیر کل) صحن مجمع عمومی سازمان ملل متحد، نیویورک، ۱۹۵۰ میلادی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



سید نصرالله انتظام وزیری همراه تریگوه لی
نیویورک، عیادت از دکتر مصدق، ۱۹۵۱ میلادی

شیک پوشی او در محافل مختلف دنیا ضرب المثل بود. در تمام عمر همسری انتخاب نمود. (rijaldb.com)
انتظام وزیری پس از پیروزی انقلاب اسلامی بازداشت شد و پس از چندی به دلیل بیماری آزاد شد. وی در ۱۳۵۹/۹/۲۹
شمسی در ۸۱ سالگی درگذشت (سحاب، ۱۳۹۳: ۱۱۳) و در قطعه ۷ ردیف ۱۳۹ شماره ۲۴ بهشت زهرا به خاک سپرده
شد.

کتاب خاطرات سید نصرالله انتظام وزیری چاپ شده است. (عباسی و طیرانی، ۱۳۷۱: ۲۰)

منابع

اعتماد السلطنه، محمد حسن خان (۱۳۶۷ ش). مرآة البلدان، محقق و مصحح: عبدالحسین نوایی و هاشم محدث، تهران:
دانشگاه تهران.

انتظام وزیری، سید عبدالله (بی تا). نظری تازه به عرفان و تصوف، بی جا: وحید.

انوری، حسن (۱۳۸۲ ش). فرهنگ بزرگ سخن، تهران: سخن.

باقری، لیلا (۱۳۹۵). دیدار با وزیر مردمدار در حوالی بهشت، ۱۷ آذر ۱۳۹۵، شماره ۶۳۴_۶۳۵، همشهری محله
(منطقه ۱۱).

دونونی، لکنت (بی تا). سرنوشت بشر، مترجم: سید عبدالله انتظام وزیری، بی جا: صفی علی شاه.

سحاب، غلامرضا (۱۳۹۳). سالنامه تفرش سال شانزدهم، تهران: دنیای جغرافیای سحاب.

طرفی (عبدالله پور)، عباس (۱۳۷۵ ش). مدیران صنعت نفت ایران، ج ۴، تهران: انتشارات سازان.

عباسی، محمدرضا و طیرانی، بهروز (۱۳۷۱). خاطرات نصرالله انتظام: شهریور ۱۳۲۰ از دیدگاه دربار، تهران: دفتر پژوهش و انتشارات.

کوستلر، آرتور (۱۳۶۳). مبانی سرنوشت یا ادراک ماورای حواس، مترجم: عبدالله انتظام‌وزیری، تهران: انتشارات وحید.

مرکز مطالعات عالی بین‌المللی (۱۳۵۲). اطلاعاتی درباره مرکز مطالعات عالی بین‌المللی، تهران: دانشگاه تهران.
نراقی، حسن و غفاری، فرخ (۱۳۵۳). خاندان غفاری کاشان، با مقدمه ابراهیم غفاری، تهران: انتشارات فرهنگ ایران زمین.

همایونی، مسعود (۱۳۵۵ش). تاریخ سلسله‌های طریقه نعمه‌اللهیه در ایران: از سال ۱۱۹۰ هجری قمری تا سال ۱۳۹۶ هجری قمری، بی‌جا: مکتب عرفان ایران.
پایگاه اطلاع‌رسانی:

[.https://fa.wikipedia.org](https://fa.wikipedia.org)

[.http://rijaldb.com](http://rijaldb.com)

[.http://iichs.ir](http://iichs.ir)

[.https://rasekhon.net](https://rasekhon.net)

